



# سخنرانی های همگانی پاپ فرانسوا

باورنامه: او به آسمان بالا رفته و بر دست راست پدر نشسته است

خواهران و برادران عزیز صبح به خیر!

ما در باورنامه می‌گوییم که: "عیسی به آسمان بالارفته و بر دست راست پدر نشسته است". زندگی زمینی عیسی، با صعود، اوج گرفت؛ هنگامی که او از این جهان به سوی پدر گذر کرده، و بالا برده شد تا به دست راست او بنشیند. معنی این رویداد چیست؟ چطور بر زندگی ما اثر می‌گذارد؟ اندیشیدن به عیسی که بر دست راست پدر نشسته چه معنایی دارد؟ بگذاریم لوقای انجیل نگار ما را در این باره راهنمایی کند.

بیاید از لحظه‌ای که عیسی تصمیم گرفت برای آخرین بار اورشلیم را زیارت کند، شروع کنیم. لوقا می‌نویسد: "چون زمان صعود عیسی به آسمان نزدیک می‌شد با عزمی راسخ رو به اورشلیم نهاد" (لو ۹: ۵۱). وقتی عیسی به سوی شهر مقدس "بالا می‌رفت"، جایی که "خروج" خود او از این زندگی روی می‌داد، پیشاپیش مقصد یعنی بهشت را دیده بود، اما او به خوبی می‌دانست که راهی که او را به سوی جلال پدر می‌برد، از صلیب می‌گذرد. از راه فرمانبری از نقشه الهی محبت آدمیان. تعلیم کلیسای کاتولیک چنین بیان می‌کند: "بالا برده شدن عیسی بر روی صلیب، نشانه و اعلام کننده بالا برده شدن او به سوی آسمان است".

ما نیز باید در زندگی مسیحی مان به روشنی بدانیم که وارد شدن در جلال و شکوه خدا، نیازمند وفاداری روزانه به اراده اوست، حتی زمانی که او درخواست فدا کردن دارد و گهگاه از ما می‌خواهد که برنامه هامان را تغییر بدهیم. صعود عیسی در عمل، بر روی کوه زیتون روی داد، نزدیک به جایی که پیش از رنج بردنش، برای ماندن در یگانگی با پدر، به جهت نیایش در آن کناره گرفته بود: بار دیگر می‌بینیم که نیایش، فیض وفادار ماندن به خداوند را به ما می‌بخشد.

لوقا در پایان انجیلش گزارشی بسیار آگاهانه از رویداد صعود به دست می‌دهد. آنچه لوقا می‌گوید، چنین است: "سپس ایشان را بیرون از شهر تا نزدیک بیت عنیا برد و دستهای خود را بلند کرده برکتشان داد؛ و در همان حال که برکتشان می‌داد از آنان جدا گشته، به آسمان برده شد. ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند. در آنجا پیوسته در معبد می‌ماندند و خدا را حمد و سپاس می‌گفتند" (لو ۲۴: ۵۰-۵۳).

مایلم به دو عنصر در این روایت اشاره کنم. نخست اینکه در هنگام صعود، عیسی حالت برکت دادن کاهنانه را به خود گرفت و شاگردان به راستی ایمان خود را با به خاک افتادن ابراز کردند. آنان با سرهای خم شده زانو زدند. این نخستین نکته مهم است: عیسی یگانه کاهن جاودانه است که با رنج خود از مرگ و مقبره گذر کرده، و به آسمان بالا رفته است. او نزد خدای پدر است، جایی که همیشه به سود ما میانجیگری می‌کند (عبر ۹: ۲۴). چنانکه یوحنا در نامه نخست خود می‌نویسد: او وکیل مدافع ماست. شنیدن این جمله چه زیباست! وقتی کسی به وسیله قاضی فراخوانده می‌شود یا درگیر روندهای قانونی می‌شود، نخستین کاری که می‌کند آن است که به دنبال یک وکیل می‌گردد، تا از او دفاع کند. ما وکیلی داریم که همواره از ما دفاع می‌کند، او که از ما در برابر مارهای شیطان دفاع می‌کند و هم او که از ما در برابر خودمان و گناهانمان دفاع می‌کند!

خواهران و برادران گرامی، ما این وکیل مدافع را داریم؛ نترسیم از اینکه به او رو کرده، بخشش بخواهیم، برکت بطلبیم، رحمت بخواهیم! او همیشه ما را می‌بخشد، او وکیل مدافع ما است؛ او همیشه از ما دفاع می‌کند! فراموش نکنید. صعود عیسی به آسمان ما را در سفرمان با این واقعیت دلگرم کننده آشنا می‌سازد که: انسانیت ما در مسیح یعنی خدای راستین و انسان راستین، به سوی خداوند برده شد. مسیح راه را برای ما گشود. او مانند راهنمای

کوهنوردی با طناب است که وقتی به قله رسید، ما را بالا کشیده به سوی خدا راهنمایی مان می کند. اگر زندگی خود را به او بسپاریم، اگر بگذاریم که او راهنمایی مان کند، مطمئن خواهیم بود که در دستانی امن هستیم، در دستان منجی و وکیل مدافع خود.

دومین عنصر: لوقا می گوید رسولان با دیدن بالارفتن عیسی به آسمان با " شادی عظیمی " به اورشلیم برگشتند. به نظر عجیب می آید. وقتی با سفری همیشگی، به ویژه مرگ، از خانواده و آشنایان و دوستان جدا می شویم، معمولاً غمی طبیعی در ما هست، چرا که دیگر چهره آنها را نمی بینیم و صدایشان را نمی شنویم و از محبت و حضورشان مسرور نمی شویم. در عوض، انجیل نگار، شادی ژرف رسولان را بیان می کند.

اما چگونه ممکن است؟ (ممکن است) به ویژه از آنجاکه، آنان با چشم ایمان دریافتند؛ اگرچه عیسی از دید ایشان پنهان شده، اما برای همیشه با ایشان می ماند، او آنها را ترک نمی کند و در شکوهمندی پدر، ایشان را پشتیبانی و راهنمایی خواهد کرد و برایشان میانجیگری خواهد نمود.

لوقا دوباره - در آغاز اعمال رسولان - رویداد صعود را روایت می کند تا بیان کند که این رویداد مانند زنجیره ایست که زندگی زمینی عیسی را به زندگی کلیسا پیوند می دهد. لوقا در اینجا از ابری سخن می گوید که عیسی را از دید شاگردان پنهان کرد، در حالیکه آنان خیره به او که به سوی خدا بالا می رفت، ایستاده بودند (اعم ۱: ۹-۱۰). آنگاه دو مرد در جامه های سپید ظاهر شده، از ایشان خواستند که آنجا نایستند و آسمان را بنگرند بلکه ایمان و شهادت خود را با این قطعیت تقویت کنند که؛ عیسی همانگونه که ایشان دیدند به آسمان رفت، باز خواهد گشت (اعم ۱: ۱۰-۱۱). این دعوتی است به تعمق بر خداوندی عیسی، تا در او قدرت پخش خبرخوش و شهادت بر خداوند را، در زندگی روزانه خود بیابیم؛ همانطور که بندیکت قدیس به ما آموخته، تعمق و عمل، هر دو در زندگی هر مسیحی ضروری هستند.

خواهران و برادران گرامی، صعود، به نبود عیسی اشاره نمی کند، بلکه به ما می گوید که او به شیوه ای تازه در میان ما زنده است. او مانند زمان پیش از صعود، دیگر در جای بخصوصی در جهان به سر نمی برد. او اینک در خداوندی خدا، در هر زمان و مکانی، نزدیک به هر کدام از ما حاضر است. ما هرگز در زندگی مان تنها نیستیم: ما این وکیل مدافع را داریم که منتظر ما است، وکیلی که از ما دفاع می کند. ما هرگز تنها نیستیم: خداوند بر صلیب شده و برخاسته، ما را راهنمایی می کند. ما بسیاری از خواهران و برادران را به همراه داریم که بی سروصدا و پوشیده، در زندگی خانوادگی و کارشان، در مشکلات و سختی هاشان، در شادی ها و امیدهاشان، هر روز ایمان را زندگی می کنند و به همراه ما سروری محبت خداوند را برای جهان می آورند؛ در عیسی مسیح برخاسته که به آسمان برشته، همان وکیل مدافع ما که برای ما استغاثه می کند. بسیار سپاسگزارم.

۱۷ آوریل ۲۰۱۳

میدان سنت پیتر